

واقعه غدیر خم

واقعه فراموش نشدنی غدیر، یکی از حقایق تاریخ اسلام است و برآستی که تداوم اسلام با غدیر پیوندی ناگسستنی دارد. کمتر مقطع تاریخی را می‌توان در جهان اسلام یافت که از لحاظ سند، اطمینان از اصل وقوع، کثرت راویان و اعتماد بزرگان و علمای مسلمین، قوت و استحکامی نظیر این رویداد مهم داشته باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دهمین سال هجرت، زیارت خانه خدا (کعبه) را با اجتماع مسلمین آهنگ فرمود. و در میان قبایل مختلفه و طوائف اطراف بر حسب امر آن حضرت اعلان شد، و گروهی عظیم به مدینه آمدند تا در انجام این تکلیف الهی (ادای مناسک حج بیت الله) از آن حضرت پیروی و تعلیماتش را فرا گیرند.

این تنها حجی بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از مهاجرت به مدینه انجام داد، نه پیش از آن و نه بعد از آن، دیگر این عمل از طرف آن حضرت وقوع نیافت و این حج را به اسامی متعدد در تاریخ ثبت نموده اند، از قبیل:

حجّه الوداع - حجّه الاسلام - حجّه البلاغ - حجّه الکمال - حجّه التمام [۱]

رسول خدا صلی الله علیه و آله غسل و تدهین فرمود و فقط با دو جامه ساده (احرام) که یکی را به کمر بست و آن دیگر را بدوش افکند روز شنبه بیست چهارم یا بیست پنجم ذی‌قعدة الحرام به قصد حج پیاده از مدینه خارج شد. زنان و اهل حرم خود را نیز در هودج ها قرار داد، و با همه اهل البیت خود و به اتفاق تمام مهاجرین و انصار و قبایل عرب و گروه عظیمی از خلق حرکت فرمود [۲]

در این هنگام بیماری آبله یا حصبه در میان مردم شیوع یافته بود و همین عارضه موجب گردید که بسیاری از مردم از عزیمت و شرکت در این سفر باز ماندند. مع الوصف گروه بسیاری با آن حضرت حرکت نمودند که تعداد آنها به یک صد و چهارده هزار و یک صد و بیست تا یکصد و بیست و چهار هزار و بیشتر ثبت شده است.

البته اهالی مکه و آنها که به اتفاق امیر المؤمنین علی علیه السلام و ابو موسی از یمن آمدند بر این تعداد اضافه شدند [۳] بامداد یکشنبه موکب نبوی صلی الله علیه و آله در «یللم» بود و شبانگاه به «شرف السیّاله» رسیدند و نماز مغرب و عشاء را خواندند و صبح آن شب را در (عرق الظبیه) ادای فریضه فرمودند سپس در (روحاء) فرود آمدند و پس از کوچ از آنجا نماز عصر را در (منصرف) ادا فرمود و نماز مغرب و عشاء را در (متعشی) خواندند و در همانجا صرف غذا کردند و نماز صبح روز بعد را در (اثابه) خوانده و بامداد سه شنبه را در (عرج) گذراندند و در نقطه ای

بنام (لحی جمل) در شیب و فرازهای (جحفه) حجات کرده سپس در روز چهارشنبه در (سقیاء) فرود آمدند و پس از حرکت نماز صبح را در (ابواء) خواندند. روز جمعه به (جحفه) رسیدند، به (قدید) رفته و شنبه را در آنجا درک فرمودند و روز یکشنبه در (عسفان) و پس از طی راه از آنجا به (غمیم)، پیادگان در مقابل پیغمبر صف بستند و به رسول خدا صلی الله علیه و آله از خستگی شکوه نمودند. پیغمبر صلی الله علیه و آله به آنها دستور قدم دو دادند. با اجراء این دستور احساس راحتی نمودند. روز دوشنبه در (مر الظهران) بسر بردند و هنگام غروب آفتاب به (سرف) و پیش از ادای نماز مغرب به حوالی مکه رسیدند و در ثنیتین (دو کوه مشرف به مکه) فرود آمدند و شب را در آنجا بسر برده و روز سه شنبه داخل مکه شدند [۴]

پس از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله مناسک حج را انجام داده و با جمعیتی که به همراه آن حضرت بودند آهنگ بازگشت به مدینه فرمودند، چون به غدیر خم (که در نزدیک جحفه است) رسیدند، جبرئیل امین فرود آمد و از جانب خدای تعالی این آیه را آورد:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (سوره مائده، آیه ۶۷)

باید دانست که جحفه منزلگاهی است که راه های متعدد (راه اهل مدینه و مصر و عراق) از آنجا منشعب و جدا میشود و ورود پیغمبر صلی الله علیه و آله و همراهان به آن نقطه در روز پنجشنبه هجدهم ذیحجه تحقق یافت. امین وحی الهی آیه فوق الذکر را آورد و از طرف خداوند آن حضرت امر شد که علی علیه السلام را به ولایت و امامت معرفی و منصوب فرماید و آنچه درباره پیروی از او و اطاعت او امر او از جانب خدا بر خلق واجب آمده به همگان ابلاغ فرماید. در این هنگام آنها که از آن مکان گذشته بودند به امر پیغمبر بازگشتند و آنها هم که در دنبال قافله بودند رسیدند و در همانجا متوقف شدند. در این سرزمین درختان کهن و انبوه و سایه گستر وجود داشت که پیغمبر صلی الله علیه و آله قدغن فرمود کسی زیر درختان پنجگانه که بهم پیوسته بودند فرود نیاید. امر فرمود تا خار و خاشاک آنجا را برطرف سازند. وقت ظهر حرارت هوا شدت یافت بطوری که مردم قسمتی از ردای خود را بر سر و قسمتی را زیر پا افکندند و برای آسایش پیغمبر صلی الله علیه و آله چادری تهیه و روی درخت افکندند تا سایه کاملی برای پیغمبر صلی الله علیه و آله فراهم گشت. اذان ظهر گفته شد و آن حضرت در زیر آن درختان نماز ظهر

را با همه همراهان ادا فرمود. پس از فراغ از نماز در میان گروه حاضرین بر محل مرتفعی که از جهاز شتران ترتیب داده بودند قرار گرفت و آغاز خطبه فرمود و با صدای بلند همگان را متوجه ساخت و چنین فرمود:

حمد و ستایش مخصوص ذات خدا است. یاری از او می خواهیم و به او ایمان داریم و توکل ما به او است و از بدیهای خود و اعمال ناروا به او پناه می بریم. گمراهان را جز او راهنمایی نیست و آن کس را که او راهنمایی فرموده گمراه کننده نخواهد بود. و گواهی می دهیم که معبودی (در خور پرستش) جز او نیست. و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او است. پس از ستایش خداوند و گواهی به یگانگی او. ای گروه مردم: همانا خداوند مهربان و دانا مرا آگهی داده که دوران عمرم سپری گشته و قریبا دعوت خداوند را اجابت و بسرای باقی خواهم شتافت. من و شماها هر کدام بر حسب آنچه به عهده داریم مسئولیم. اینک اندیشه و گفتار شما چیست؟ مردم گفتند: ما گواهی می دهیم که تو ابلاغ فرمودی و از پند ما و کوشش در راه وظیفه دریغ نفرمودی. خدای به تو پاداش نیکو عطا فرماید:

فرمود: آیا نه اینست که شماها به یگانگی خداوند و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او است گواهی می دهید؟ و به اینکه بهشت و دوزخ و مرگ و قیامت تردید ناپذیر است و اینکه مردگان را خدا بر می انگیزد و اینها همه راست و مورد اعتقاد شما است؟

همگان گفتند آری، به این حقایق گواهی می دهیم.

پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت: خداوندا گواه باش، و با تأکید و مبالغه در توجه و شنوائی همگی و اقرار مجدد آنان به اینکه سخنان آن حضرت را شنیده و توجه دارند فرمود: همانا من در انتقال بسرای دیگر و رسیدن به کنار حوض بر شما سبقت خواهم گرفت. و شما در کنار حوض بر من وارد می شوید. پهنای حوض من به مانند مسافت بین صنعاء و بصری است [۵] و در آن به شماره ستارگان قدحها و جامهای سیمین هست. بیندیشید و مواظب باشید که پس از در گذشتن من با دو چیز گرانبها و ارجمند که در میان شما می گذارم چگونه رفتار نمائید؟!

در این موقع یکی در میان مردم بانک بر آورد که یا رسول الله آن دو چیز گرانبها و ارجمند چیست؟

فرمود آنکه بزرگتر است کتاب خدا است که یک طرف آن در دست خدا و طرف دیگر آن در دست شما است (کنایه از اینکه کتاب خدا وسیله ارتباط با خداوند است) بنابر این آن را محکم بگیرید و از دست ندهید تا گمراه

نشوید. و آن دیگر که کوچکتر است عترت من (اهل بیت من) می باشد و همانا خدای مهربان و دانا مرا آگاه فرمود که این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند. و من این امر را (عدم جدائی کتاب و عترت را) از پروردگار خود درخواست نموده‌ام. بنابر این بر آن دو پیشی نگیرید و از پیروی آن دو باز نایستید و کوتاهی نکنید که هلاک خواهید شد. سپس دست علی علیه السّلام را گرفت و او را بلند نمود تا به حدی که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و مردم او را دیدند و شناختند. و فرمود: ای مردم کیست که بر اهل ایمان از خود آنها (سزاوارتر) می باشد؟ گفتند: خدای و رسولش داناترند.

فرمود همانا خدا مولای من است و من مولای مؤمنین هستم و اولی و سزاوارترم بر آنها از خودشان. پس هر کس که من مولای اویم علی علیه السّلام مولای او خواهد بود و این سخن را سه بار و بنا به گفته احمد بن حنبل پیشوای حنبلی ها چهار بار تکرار فرمود. سپس دست به دعا گشود و گفت: بار خدایا. دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد و یاری فرما یاران او را و خوار گردان خوار کنندگان او را، و او را معیار و میزان و محور حق و راستی قرار ده. آنگاه فرمود. باید آنان که حاضرند این امر را به غائبین برسانند و ابلاغ نمایند. هنوز جمعیت پراکنده نشده بود که امین وحی الهی رسید و این آیه ۳ سوره مائده را آورد:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.

در این موقع پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود الله اکبر، بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خدا به رسالت من و ولایت علی علیه السّلام بعد از من.

سپس آن گروه شروع کردند به تهنیت امیر المؤمنین علیه السّلام و از جمله آنان (پیش از دیگران) ابو بکر و عمر بودند که هر کدام گفتند: به به برای تو ای پسر ابی طالب که صبح و شام را درک نمودی در حالی که مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمن گشتی.

ابن عباس گفت: بخدا سوگند که این امر (ولایت علی علیه السّلام) بر همه واجب گشت

محتوای سخنرانی حضرت اجمالاً دارای یازده بخش است:

۱- حمد و ثنای الهی و بیان صفات قدرت و رحمت خداوند و اقرار به بندگی خود در مقابل ذات الهی .

۲- ابلاغ پیام و رسالت الهی، یعنی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

۳- اشاره به عمومیت ولایت امامان معصوم علیهم السلام بر همه انسان‌ها در طول زمان‌ها و در همه مکان‌ها اعلام نیابت تام ائمه (علیهم السلام) را از خدا و رسول صلی الله علیه و آله در حلال و حرام و جمیع اختیارات .

۴- بیان عبارت «من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله» همزمان با بالا بردن بازوان امیرالمؤمنین (علیه السلام) با دست‌های مبارک ... و اعلام کمال دین و تمام نعمت با ولایت ائمه (علیهم السلام) و اینکه بعد از آن خدا و ملائکه و مردم را بر ابلاغ این رسالت شاهد گرفتند.

۵- بیان شمه ای از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام

۶- حضرت رسول صلی الله علیه و آله با تلاوت آیات عذاب و لعن از قرآن جنبه غضب الهی را نمودار کرد و فرمود منظور از این آیات عده ای از اصحاب من هستند که مأمور به چشم پوشی از آنان هستم، ولی بدانند که خداوند ما را بر معاندین و مخالفین و خائنین و مقصرین حجت قرار داده است، و چشم پوشی از آنان در دنیا مانع از عذاب آخرت نیست.

۷- بیان اثرات ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام)، و تلاوت آیاتی از قرآن درباره اهل بهشت و اهل جهنم، و تفسیر آیات به شیعیان و پیروان آل محمد (علیهم السلام) و دشمنان آل محمد (علیهم السلام) .

۸- سخن از حضرت بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن المهدی (ارواحنا فداه) و اشاره به اوصاف و شئون خاص حضرت .

۹- دعوت به بیعت مردم با خود آن حضرت و سپس بیعت با علی بن ابی طالب (علیه السلام). فرمودند: پشتوانه این بیعت آن است که من با خداوند بیعت کرده ام، و علی هم با من بیعت نموده است. پس این بیعتی که از شما می گیرم از طرف خداوند و بیعت با حق تعالی است.

۱۰- بیان احکام الهی از جمله این که فرمودند: چون بیان همه حلال‌ها و حرام‌ها توسط من امکان ندارد با بیعتی که از شما درباره ائمه (علیهم السلام) می گیرم به نوعی حلال و حرام را تا روز قیامت بیان کرده ام. دیگر این که بالاترین امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغ پیام غدیر درباره امامان (علیهم السلام) و امر به اطاعت از ایشان و نهی از مخالفتشان است.

۱۱- در آخرین مرحله خطابه، بیعت لسانی انجام شد. حضرت با توجه به آن جمعیت انبوه و شرائط غیر عادی زمان و مکان و عدم امکان بیعت با دست برای همه مردم، فرمودند: «خداوند دستور داده تا قبل از بیعت با دست، از زبان‌های شما اقرار بگیریم». سپس مطلبی را که می‌بایست همه مردم به آن اقرار می‌کردند تعیین کردند که خلاصه آن اطاعت از دوازده امام (علیهم السلام) و عهد و پیمان بر عدم تغییر و تبدیل و بر رساندن پیام غدیر به نسل‌های آینده و غائبان از غدیر بود. در ضمن بیعت با دست هم حساب می‌شد زیرا حضرت فرمودند: «بگوئید با جان و زبان و دستمان بیعت می‌کنیم». پس از اتمام خطابه پیامبر صلی الله علیه و آله، دو خیمه بر پا شد که در یکی خود آن حضرت و در دیگری امیرالمؤمنین (علیه السلام)، جلوس فرمودند. مردم دسته دسته وارد خیمه حضرت می‌شدند و پس از بیعت و تبریک، در خیمه امیرالمؤمنین (علیه السلام) حضور می‌یافتند و با آن حضرت بیعت می‌کردند و تبریک می‌گفتند. زنان نیز، با قرار دادن ظرف آبی که پرده‌ای در وسط آن بود بیعت نمودند. به این صورت که امیرالمؤمنین (علیه السلام) دست مبارک را در یک سوی پرده داخل آب قرار می‌دادند و در سوی دیگر زنان دست خود را در آب قرار می‌دادند. در طول سه روز توقف در غدیر، پس از ایراد خطابه چند جریان به عنوان تأکید و به نشانه اهمیت غدیر به وقوع پیوست که عبارتند از:

پیامبر صلی الله علیه و آله در این مراسم، عمامه خود را که «سحاب» نام داشت به عنوان افتخار بر سر امیرالمؤمنین علیه السلام قرار دادند.

حسان بن ثابت از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست کرد تا در مورد غدیر شعری بگوید، و با اجازه حضرت اولین شعر غدیر را سرود.

جبرئیل علیه السلام به صورت انسانی ظاهر شد و خطاب به مردم فرمود: «پیامبر برای علی بن ابی طالب عهد و پیمانی گرفت که جز کافر به خدا و رسولش آن را بر هم نمی‌زند»

مردی از منافقین گفت: «خدایا اگر آنچه محمد می‌گوید از طرف توست سنگی از آسمان بر ما ببار یا عذاب دردناکی بر ما بفرست.» در همین لحظه سنگی از آسمان بر سر او فرود آمد و او را هلاک کرد، و این معجزه غدیر تأیید الهی را بر همگان روشن کرد.

پس از سه روز مراسم پر شور غدیر پایان یافت، و آن روزها به عنوان «ایام الولاية» در صفحات تاریخ نقش بست. مردم پس از وداع با پیامبرشان صلی الله علیه و آله و معرفت کامل به جانشینان آن حضرت صلی الله علیه و آله تا روز قیامت، راهی شهر و دیار خود شدند. خبر واقعه غدیر در شهرها منتشر شد و به سرعت شایع گردید و خداوند بدینگونه حجتش را بر همه مردم تمام کرد

پی‌نوشت‌ها

[۱] علامه امینی می‌گوید: آنچه به گمان ما می‌رسد اینست که وجه نامیدن حجة الوداع به بلاغ به مناسبت نزول آیه تبلیغ یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ می‌باشد و همچنین نامیدن آن به کمال و تمام نیز به مناسبت نزول آیه الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي می‌باشد.

[۲] طبق مندرج در جلد ۳ طبقات ابن سعد ص ۲۲۵ و (الامتاع) مقریزی ص ۵۱۱ و جلد ۶ ارشاد الساری ص ۴۲۹

[۳] مدلول جلد ۳ السيرة الحلییه ص ۲۸۳ و سیره احمد زینی دحلان جلد ۳ ص ۳ و جزء ۴ از تاریخ الخلفاء ابن جوزی و تذکرة خواص الامه ص ۱۸ و جلد ۳ دایرة المعارف فرید و جدی ص ۵۴۲

[۴] امتاع مقریزی ص ۵۱۳-۵۱۷

[۵] صنعاء اکنون پایتخت یمن است و بصری قصبه ایست جزء ایالت حوران از توابع دمشق و این تشبیه متناسب با حدود درک و تصور آنها که در آن روز حضور داشته اند بیان گشته و تقرب اذهان است بر امری که حقیقت آن مهمتر است.

منابع:

کتاب الغدیر، جلد اول، امینی

کتاب غدیر در آئینه، محمد انصاری

<https://imamali.wiki>